

بگوی تا دیگر از دیدگان بر ندارد و تا از زمین نماند نیز در پیشتر رقم
و با اهل خود گفتیم که رسول صلی الله علیه و سلم با همه ما چون وانهار
و اتباع و انبیاء می آیند گفت اگر رسول صلی الله علیه و سلم در آن
بیج با کینیت چون رسول صلی الله علیه و سلم با جمیع جهان ما رسیدند
فرمود که فرق فرود آید پس فرمود که خیرا بیا را آوردم در آن
مبارک کیشاد و از آن سر چشمه همه حیات و برکات رنجی در آن
خیر میدوید و از خدای تعالی برکت طلبید پس فرمود که بپوشد ما ترا
بیا رتا بپزد و فرمود تا از نورمان و از دیگر گوشت من گوشت
و بر دم دادیم تا همه سر خوردند و مراجعت نمودند و مان و گوشت
سپین باقی بود **و از آنجا آنست** که دختر شش بن سعد گفت که مادر
من را و احبیک گفت فرما بمن داد که این را بپزد خود و خال خود علی الله
بن رواحبه بر تا بگردد من فرما را که رقم و رفت رسول صلی الله علیه
جایی نشسته بود گفت ای دختر که من بیا و پرسید که با خود چه داری
گفتم اندکی خرم او را در دو کت مبارک و وی رنجیم آنرا بدست
مبارک خود بر بالای جامه جید و مردی را فرمود که اهل خندق را
ندان تا همه بیا بند همه شده اند و چندانک بایستند خوردند
و بارگشتند و همه هزار بودند و هنوز از اطراف آن جامه
از بسیاری فرما خرمای ریخت **و از آنجا آنست** که چون
لیله الحزاب حذیفه بن الیمان رضی الله عنه بجانب لشکر الحزاب

روایت

روایت ساخت تا خبری یار دست مبارک برسید و میان دو کت
وی باید و کت اللهم اخطب من بین یدیه و من خلفه و من عنقه
فقال و ان شب سرمای سخت بود حذیفه میگوید روان شدم
و پنداشتم که بجام درآمده ام و بیج سر ما در من افتد تا با حجاب
رسیدم و جبرایشان معلوم کردم و باز گشتم و با صاحب ستم بعد از
مخالط با اصحاب سر ما در من تاثیر کرد و آنرا آن بظهور آورد **و از آن**
جمله آنست که چون حذیفه رضی الله عنه برقت رسول صلی الله علیه و سلم
نماز گزارد و بعد از آن نمازها کرد که یا صریح الکتوبین و یا یحیی
دعوه المصطفین الکشف سحی و کزنی فقد نزی کما وضع سحی
جبرئیل فرود آمد و کت خدای تعالی بر آنرا نصرت داد با از آسمان
دنیا برایشان فرستاد و بادی دیگر از آسمان چهارم که سنگ بی
آرد حذیفه رضی الله عنه میگوید چون آنجا رسیدم بادی سرد
در ایشان بجهه بود و آتشهای ایشانرا می کشت و میگذرید
ندامیدند که سر ما را هلاک کرد بعد از آن بادی دیگر عظیم رسید
که سنگهای بزرگی آورد چنانکه قوم سپهر خود را از آن نگاه
می داشتند پس شربت در ایشان افتاد و بتجلی تمام بگریختند و
اشارات باینست که انکو خدای تعالی فرماید از کواشف الله
علیکم از جا بگردد فرستاد علیهم رجا و خود اهل تروما **و از آن**
جمله آنست که چون قریش بگریختند رسول صلی الله علیه و سلم